



خانواده مطلوب و نقش آن در جامعه متعادل؛

با تأکید بر اندیشه آیت الله جوادی آملی (دامت بر کاته)

فریده فاطمی مهر^۱

چکیده

خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. برای رسیدن به جامعه متعادل لازم است تا اعضای خانواده دارای رابطه گرم و صمیمی باشند تا آرامش را در خانه حاکم سازند. به‌واقع محبت و مودت اصول محوری تشکیل خانواده سالم در اسلام است. هدف تحقیق حاضر تبیین ویژگی‌های خانواده مطلوب، مانند آرامش، احترام، محبت، گفت‌وگو و... است که با نهادینه شدن چنین خصوصیتی زمینه ایجاد جامعه متعادل به وجود می‌آید. پژوهش پیش رو با روش کتابخانه‌ای تدوین شده است. جامعه سالم و متعادل در گرو ساخته شدن اعضای خانواده است که با شکل‌گیری جامعه متعادل، بستر توسعه و پیشرفت در زمینه‌های مادی و معنوی در عرصه‌های گوناگون جامعه فراهم می‌گردد.

واژگان کلیدی: خانواده، مطلوبیت و تعادل، جامعه متعادل، جوادی آملی.

مقدمه

خانواده در صورتی اولین و مهم‌ترین کانون رشد و پیشرفت آدمی به شمار می‌آید که خانواده مطلوب باشد. اساسی‌ترین ویژگی خانواده مطلوب وجود رابطه گرم و صمیمی در بین اعضای آن است. برای ایجاد رابطه گرم و صمیمی لازم است تا آرامش در خانواده حاکم گردد. همچنین احترام و تکریم بین زن و شوهر و بین والدین و فرزندان مشهود و فضای حاکم بر خانواده فضایی سرشار از محبت و دوستی باشد؛ محبتی که پایه‌های خانواده را مستحکم می‌کند. اصل مهم دیگری که می‌تواند خانواده را به سوی تعادل و مطلوبیت رهنمون گردد، توجه به مشورت اعضای خانواده در امور متفاوت برای تصمیم‌گیری عاقلانه با استفاده از تبادل آرا و دیدگاه‌های متفاوت است که همه افراد توانایی اظهار نظر را به صورت آزادانه دارا باشند. این امر موجب شکل‌گیری گفت‌وگو در اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی نهاد خانواده است که در صورت نهادینه شدن آن، فضای عمومی جامعه به سمت گفت‌وگو سوق داده خواهد شد و در نتیجه جامعه‌ای متعادل را شاهد خواهیم بود.

پیشینه کلی بحث را می‌توان در کتب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی خانواده مشاهده کرد. در خصوص موضوع پژوهش، مقالات و کتاب‌هایی وجود دارد که از جمله کتاب خانواده متعادل محمدرضا شرفی، کتاب خانواده متعادل و حقوق آن از علامه جوادی آملی اشاره کرد.

اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر ربط وثیق بین خانواده و جامعه در آموزه‌های اسلامی است. به این صورت که ورود افراد به جامعه از خانواده شروع می‌شود؛ بنابراین خانواده‌ای که در آن روابط گرم و صمیمی بین اعضای آن حاکم باشد، موجب رشد و پویایی و تربیت صحیح و سازنده افراد خواهد شد و خانواده متعادل و مطلوب شکل خواهد گرفت. با شکل‌گیری خانواده مطلوب، زمینه و بستر شکل‌ی جامعه متعادل به وجود خواهد آمد که تکامل فرد و جامعه را موجب خواهد شد.

بدیع بودن پژوهش حاضر، ارتباط نزدیکی بین خانواده و جامعه از دیدگاه علامه جوادی آملی است که جامعه سالم و متعادل در گرو روابط گرم و صمیمی در خانواده و شکل‌گیری خانواده مطلوب است.

مفهوم شناسی

خانواده



در لغت، اسم مرکب از «خان» به معنای خانه (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۸۲۶۳) و «واده» اصل و بنا و ماده هر چیزی و به عبارتی اهل خانه است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۴، ص ۲۰۳۷۷) و در اصطلاح «واحد اولیه خانواده که شامل والدین و فرزندان می‌شود. این فرزندان می‌توانند طبیعی یا فرزندخوانده باشند. برخی آن را با خانواده زن و شوهری مترادف می‌دانند، اما به نظر بسیاری از محققان، ادامه زن و شوهری می‌تواند بدون فرزند باشد، حال آنکه خانواده هسته‌ای، مستلزم داشتن فرزند یا فرزندان است» (ساروخانی، ۱۳۸۱: ص ۲۷۴). به هر حال «در بین تمامی نهادها، سازمان‌ها و تأسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۱۱).

«فرد، یا جامعه بنیان سعادتش مربوط به خانواده می‌گردد. در این باره چون به تعلیمات و دستورهای دین مقدس اسلام که راهنمای سعادت انسان است بنگریم می‌بینیم که تا چه اندازه به امر خانواده اهمیت داده شده است. تجربه تاریخ زندگی آدمیان نیز این مطلب را ثابت می‌کند» (راشد، ۱۳۸۱: ص ۵۱۳). خانواده نهاد مقدّسی است که از آن در قرآن کریم به میثاق غلیظ تعبیر شده است: «وَأَخَذْنٰ مِنْكُمْ مِّيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء، ۲۱). «این نهاد به گروهی خاص از خویشاوندان اطلاق می‌شود که در برآوردن نیازهای اساسی اعضا، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد. به دیگر سخن، خانواده واحد کوچک اجتماعی است که با پیمان ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود و با تولد فرزندان، توسعه و استحکام می‌یابد» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۲۴).

به‌طور کلی، خانواده در الگوی رایج و غالب آن، «یعنی خانواده هسته‌ای عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت تکفل آن است که معمولاً باهم و تحت ریاست شوهر و پدر زندگی می‌کنند. ریاست شوهر و پدر خانواده، نوعی وحدت و هماهنگی در امور خانواده، بین اعضا و ارتباط آن‌ها به جامعه کل فراهم می‌سازد و از چند نفر، یک گروه متشکل و متجانس برخوردار از پیوند عاطفی شدید و روابط صمیمی و رویارویی چهره به چهره و متقابل و احساس مسئولیت مشترک و برخوردار از یک هویت جمعی متمایز به وجود می‌آورد» (شرف‌الدین، ۱۳۷۸: ص ۸۵).

در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی «خانواده، بنیان مرصوصی است که جامعه را از پرتگاه و راه طلاح، تباه و تبار می‌رهاند و از انحراف و خطر تیرگی و تاریکی نجات می‌دهد و راه صلاح و فلاح و نجات را باز می‌گشاید» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۴۲۶).

جامعه

از نظر لغوی، «واژه «جامعه» اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» به معنای گردآورنده، فراهم‌کننده و جمع‌کننده، طوق، غل، گردآورنده و غلی که بر گردن و دست نهند آمده است» (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۰۴۹). اجتماع در اصطلاح جامعه‌شناسان و فیلسوفان این فن، «هیئت و ترکیبی است از اشخاص موجود؛ اما جامعه به وضع و حالت انسان‌ها یا حیواناتی گفته می‌شود که بر پایه قانونی مشترک زندگی کنند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: الف، ص ۲۶). این واژه در قرآن به معانی دیگری نیز از جمله گروه میانه‌رو در دین آمده است؛ مانند آیه «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ: از آنان گروهی میانه‌رو و معتدل‌اند» (مائده، ۶۶).

قدمت و سابقه نهاد خانواده

خانواده بر اساس تحقیقات مردم‌شناختی، ادوار مختلفی را پشت سر گذاشته و در قالب الگوهای بسیار متنوعی تجلی و تظاهر کرده است. «عمده‌ترین تقسیم‌بندی ادواری خانواده، انقسام آن به دو نوع هسته‌ای و گسترده است» (شرف‌الدین، ۱۳۷۸: ص ۸۴). درباره قدمت و سابقه نهاد خانواده در طول تاریخ علامه جوادی آملی اظهار می‌دارد که در پهنای تاریخ، همه جوامع انسانی به نوعی به خانواده عنایت داشته و آداب و رسوم اجتماعی خویش را به حسب فرهنگ یا مصلحت‌های خویش در چگونگی پیوند خانواده و توسعه یا تضییق آن اعمال‌نظر می‌کردند. «در برخی جوامع، ساخت خانواده تک‌همسری، در بعضی از فرهنگ‌های دیگر چندهمسری، خانواده هسته‌ای، خانواده گسترده و... مرسوم است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: الف، ص ۴۹).



بر اساس دیدگاه ایشان «سنت خانواده، مانند دیگر سنن جوامع بشری، همواره دستخوش تحول و تغییر بوده و اندک‌اندک تکامل یافته است. از آنجا که این تکامل در جوامع ابتدایی، نظام مشخصی نداشته، به دست آوردن تحول منظم آن از تاریخ زندگی بشری که اطمینان‌آور باشد، دشوار است! آنچه در اینجا سیر تاریخی و تطور آن یاد می‌شود، درباره جوامعی است که نتوانستند یا نخواستند از رهنمود انبیا بهره گیرند؛ اما جامعه‌ای که از رهبری پیامبران الهی بهره می‌برد، در این باره از نابسامانی در امان است، زیرا نظام خانواده رعایت حقوق متقابل و متعادل افراد خانواده از لحاظ مالی و غیرمالی، کاملاً مورد عنایت شریعت الهی است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۷، ص ۵۸۵)

آیت الله جوادی آملی در مورد پیشینه خانواده در ادوار تاریخ در کتاب تسنیم چنین آورده است. «در روم، رئیس خانواده «رب البیت» معبود زن، فرزند و بردگان خود بود و تنها او می‌توانست مالک باشد و تا زنده بود، کسی از افراد خانواده حق مالکیت نداشت» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۲۶) «در یونان نیز قوانین بسیار به قوانین روم شباهت داشت. محرومیت کودکان و افراد تحت تکفل و ولایت دیگران در هند، مصر و چین نیز تقریباً مانند سنت روم و یونان بوده است. در ایران (فارس‌ها) ازدواج با محارم، چندهمسری و فرزندخواندگی جایز بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۲۷).

ایشان درباره سابقه نهاد خانواده در میان اعراب قائل است که انواع خاصی از ازدواج و رابطه زناشویی در اعراب جاهلی، مانند نکاح شغار، نکاح بدل، نکاح استبضاع، نکاح مضامده، نکاح مخادنه، ازدواج با زن پدر، نکاح هم‌زمان دو خواهر و... وجود داشته است. «نیز عرب دوران جاهلی از هیچ عمل خشونت‌آمیزی خودداری نمی‌کرد. گاهی قساوت آنان به اندازه‌ای می‌رسید که فرزندان خود را نیز می‌کشتند! هرگاه برای یکی از ایشان خبری می‌آوردند که دختردار شده‌ای، صورتش سیاه و به شدت خشمگین می‌گردید. به جهت این خبر بد از قوم و قبیله خود متواری می‌شد و نمی‌دانست آیا او را با قبول ننگ نگه دارد، یا در خاک پنهانش کند: «و چون به یکی از آنان مژده دختر دهند، سیه‌روی شود و خشمگین گردد. از شرم این خبر از مردم پنهان می‌شود. آیا با خواری نگاهش دارد یا در خاک پنهانش کند؟ آگاه باشید که بد داوری می‌کنند» (نحل،

۵۸-۵۹). این رخداد‌های تلخ که در دوره‌های گذشته پدید می‌آمدند، همگی در جهت هدم خانواده، اضرار به زن و مردسالاری مشنوم بوده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۱۱، ص ۳۴۳).

ایشان تصریح می‌کند «با ظهور اسلام، نسبت حقیقی فرزند به پدر و مادر واقعیت یافت و زن و مرد بی‌هیچ تفاوتی دو رکن سازنده نسب شمرده شدند. اسلام پدر و مادر را دو عنصر اصلی تأسیس نسب و خانواده بیان کرد» (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ج ۱۸، ص ۲۶۹).

ارکان خانواده

بنا بر اندیشه آیت‌الله جوادی آملی در نظام خانواده، هر رکنی جایگاه خاص و متفاوت از دیگری دارد؛ به این معنا که هر کدام از این سه گزینه جایگاه مرد، زن و فرزند، ویژگی‌های خاص خود را دارد که با ویژگی‌ای دو گزینه دیگر تفاوت دارد. «شناخت منزلت هر یک از ارکان خانواده می‌تواند ما را در شناخت آن عضو و برقراری بهتر ارتباط با آن رکن خانواده، در نتیجه سلامت نظام خانواده و تحقق اهداف آن یاری رساند» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۵۰).

علامه ارکان خانواده را چنین توضیح می‌دهد.

۱. شوهر

«شوهر، بدان جهت که آفرینش ویژه‌ای دارد و از جنبه تعلقات متمایز است، رکن و مسئول خانواده شمرده می‌شود. مسئولیت وی اهمیت خاصی دارد، زیرا وی سرپرست است، در نتیجه در برابر همه مسائل و سختی‌های فکری، روحی، اخلاقی و اقتصادی همسر و فرزند خود مسئول است». «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء، ۳۴). «اوست که می‌تواند با تدبیرهای خردمندانه خویش خانواده را به بهترین شکل اداره و اسباب خوشبختی آنان را فراهم کند و محیط خانه را همانند بهشت برین، مرتب و منظم گرداند و همسرش را به‌صورت فرشته‌ای درآورد، بنابراین او باید همسرش را خوب بشناسد و جایگاهش را بداند و بر اساس آن، دارای تعامل سازنده باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۵۱).



۲. زن

«همسر که رکن اساسی دیگر خانواده است، در جهت حقوق و موازینی که ریشه در فطرت و آفرینش انسان دارد، پس از ازدواج، زیر سرپرستی و حمایت شوهر قرار می گیرد» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۵۲).

۳. فرزند

«فرزند از ارکان خانواده است که در نگهداری و شادکامی خانواده کمک می کند. این رکن خانواده، نقشی را که برای ادامه حیات خانواده بایسته است، بر عهده می گیرد. در این میان، همه اعضای خانواده می کوشند از فرزند به بهترین شکل ممکن مراقبت کنند» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۵۶-۵۷).

جایگاه خانواده در آیات و روایات

درباره نظام خانواده و شکل گیری و اهمیت آن رهنمودهای فراوانی در متون دینی ما وارد شده است. خانواده (زن و شوهر) در قرآن کریم آیاتی از آیات خدا و مایه آرامش روی شمرده شده است، چنان که خداوند فرموده است: «و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند» (روم، ۲۱). در جای دیگر از زن و مرد به عنوان لباس یاد شده است: «آن ها لباس شما هستند و شما لباس آن ها؛ هردو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید» (بقره، ۱۸۷). لباس وسیله پوشش و حفاظت برای بدن است. به قول علامه طباطبایی در این آیه استعاره بسی لطیف به کار برده شده است. «زن برای مرد و مرد برای زن به عنوان لباس و پوشش است که همدیگر را از آلودگی و فجور محافظت می کند و نیز همان طور که لباس مایه زینت و زیبایی برای انسان است، زن و مرد نیز مایه زینت و زیبایی برای یکدیگرند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۶۵).

نظام خانواده، نظام ارزشمند و محبوبی است که در اسلام هیچ بنایی محبوب تر از آن پایه ریزی نشده است. پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ» (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۱۰۰، ص ۲۲۲). نیز فرموده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَتَحَفِظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالٍ؛ هیچ فایده ای بعد از نعمت

اسلام برتر و مفیدتر از این برای مرد مسلمان نیست که او دارا باشد که هر وقت به او نگاه کند مسرور و شاداب گردد و هنگامی که به او دستور بدهد اطاعت نماید و هر وقتی که از نزدش برود حافظ جان خود و مال همسرش باشد» (بابویه، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۳۸). نظام خانواده از چنان جایگاه و مقام شایسته در اسلام برخوردار است که حتی تأثیر بر ثواب عبادت و بندگی می‌گذارد تا جایی که دو رکعت نماز کسانی که تشکیل خانواده داده‌اند برتر از عبادت فرد مجردی است که شب و روز نماز بخواند. این روایات و نیز روایاتی قریب به این مضمون که در متون اسلامی، وارد شده به‌خوبی جایگاه و ارزش والای خانواده را تعیین می‌کند.

بنا به تصریح آیت‌الله جوادی آملی در فرهنگ اسلامی، «اولویت و تقدم خانواده یک اصل به حساب می‌آید و روایات فراوانی بر آن دلالت دارند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ص ۲۳۶). بر این اساس خداوند در قرآن تأکید بر توجه به خود و خانواده دارد: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ» (تحریم، ۶) رسول خدا نیز درباره تقدم خانواده فرموده است: «از خانواده آغاز کنید و هرکسی که نزدیک‌تر است مقدم بدارید» (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۶۷).

امام علی علیه السلام بر اساس روابط گرم و صمیمی در بین اعضای خانواده که تشکیل خانواده متعادل و مطلوب را می‌دهد در نامه به فرزندش، امام حسن علیه السلام چنین صمیمانه خطاب به وی می‌نگارد: «تو را دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان من، هستی؛ آن‌گونه که اگر آسیبی به تو برسد به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است. پس کار تو را، کار خود شمردم و نامه‌ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد؛ حال، من زنده باشم یا نباشم» (نهج البلاغه، نامه ۳۰). همچنین از فرمایش حضرت علی علیه السلام درباره حقوق فرزند و پدر درمی‌یابیم که رعایت دوطرفه این حق، موجب صمیمیت و ارتباط گرم در کانون خانواده، به‌عنوان عام‌ترین واحد اجتماعی می‌گردد. «البته نقش اساسی و عاطفی مادر به‌عنوان سرمایه انسانی در کنار پدر و محبت بین آنان و فرزندان موجب می‌گردد تا پایه اولیه سرمایه اجتماعی در درون محیط گرم خانواده به بهترین شیوه، شکل بگیرد» (علینی، ۱۳۹۴: ص ۱۰۳).



خانواده مطلوب

تصویر واقع بینانه از خانواده متعادل، نوعی بصیرت و اعتماد به نفس در انسان می‌آفریند. «منظور از خانواده مطلوب، خانواده‌ای است که بین اعضای آن روابط گرم و صمیمی وجود دارد و واجد ویژگی‌هایی است که خانواده مطلوب را شکل می‌دهد. با این اوصاف در صورتی که مشکلات و معضلاتی در خانواده متعادل به وجود آید اعضای خانواده تلاش می‌کنند تا شیوه منطقی اتخاذ کنند و برای مسائل، اهمیتی درخور آن‌ها قائل شوند (تناسب بین کنش و واکنش) و در برابر موقعیت‌های دشوار که ناگزیر از انتخاب باشند، تصمیم به وقوع و مقتضی اتخاذ می‌کنند» (شرفی، ۱۳۷۲: ص ۴۶-۴۷).

ویژگی‌های خانواده مطلوب

«به لحاظ تحلیلی، روابط و تعامل بالقوه دارای دو وجه عمده ابزاری و اظهاری است. در روابط با وجه ابزاری تعاملات و روابط به‌طور عمده خصلت سودمدارانه و سرد دارد، ولی روابط از نوع اظهاری نوعی مبادله گرم به حساب می‌آید و موجب پیوند افراد به یکدیگر، تکرار و دوام روابط به‌صورت عاطفی و صمیمی می‌گردد» (چلبی، ۱۳۷۵: ص ۱۶).

منظور ما از روابط در خانواده، روابط گرم و صمیمی و از نوع اظهاری است که پیوند مستحکمی را بین زن و شوهر و بین والدین و فرزندان ایجاد می‌کند که موجب می‌گردد خانواده مطلوب شکل بگیرد که نتیجه و دستاورد آن به سایر نهادها در جامعه سرایت خواهد کرد و موجب پیشرفت و توسعه خواهد گردید.

خانواده مطلوب به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که علاوه بر حفظ موقعیت هر یک از اعضای آن، دارای ویژگی‌هایی باشد که در ذیل برخی از موارد مهم آن را بر می‌شماریم.

۱. آرامش و سکون

آرامش، «اسم مصدر از آرمیدن است و در برابر اضطراب و دلهره به کار می‌رود و به حالت و صفت روانی و قلبی خاص گفته می‌شود. آرامش در دو سطح فردی و اجتماعی قابل بررسی است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۴۳). از ویژگی‌های اساسی و مهم خانواده متعادل برقراری آرامش در بین اعضا و ارکان آن، «یعنی در وهله اول بین زن و مرد و در مرحله بعد بین والدین و فرزندان است. آیت الله جوادی آملی خانواده را

نخستین کانون رشد و آرایش بشری می‌داند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ص ۲۳۳).

«انسان، خواه مرد و خواه زن، از پاره‌ای جهات ناقص آفریده شده و جزء کامل‌کننده او در جنس مخالف نهاده شده است. به همین دلیل، زن و مرد هر دو به هم محتاج‌اند و به جهت این نیاز، به هم تمایل دارند؛ چرا که هر ناقصی مشتاق کمال خویش است و هر محتاجی در پی چیزی می‌رود که نیازش را پاسخ دهد؛ بنابراین، زن مشتاق مرد است و مرد، مشتاق زن و چون به هم دست یابند در کنار هم آرام می‌گیرند» (طباطبایی، ۱۳۸۰: ج ۱۶، ص ۱۶۵). «از اهداف مهم ازدواج را می‌توان به دست آوردن آرامش روانی و سکون قلبی و برقراری روابط عاطفی و اجتماعی بسیار نزدیک زن و شوهر دانست» (علینی، ۱۳۹۳: ص ۹۱).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم، ۲۱). همچنین در آیه‌ی دیگر فرموده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف، ۱۸۹). آیت‌الله جوادی آملی درباره ویژگی آرامش در خانواده متعادل چنین تصریح می‌کند که «دو رکن خانواده، یعنی زن و مرد باید برابر همدیگر از کشش برخوردار باشند تا رضایت و نشاط احساس کنند و این احساس زمانی به دست می‌آید که کانون خانواده دارای آرامش و آسایش باشد و این کانون از راه تفاهم برخاسته از محبت و مودّت تحقق پیدا می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۴۴). ایشان تصریح می‌کند که «زنان و مردان به گونه‌ای خلق شده‌اند که مودّت و رحمت میانشان حاکم است و وقتی رحمت و مودّت دوجانبه بود، آرامش سکون نیز دوجانبه است» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۴۵).

در خانواده‌ای که بین زن و مرد آرامش حاکم باشد، فرزندان نیز با الگوگیری از مادر و پدر، در روابط بین خودشان و در رابطه با والدینشان از آرامش برخوردار خواهند بود. چنین آرامشی که در خانواده و در روابط بین تمامی اعضای خانواده مشاهده می‌گردد موجب شکل‌گیری خانواده متعادل می‌گردد.

۲. احترام و تکریم

احترام «مصدر باب افتعال از ماده «حرم» به معنای حرمت نگه داشتن است. حرمت نیز به معنای آنچه هتک و شکستن آن روا نباشد، آمده است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۲۸) «در آموزه‌های اسلام، به احترام و گرامی داشتن دیگران به ویژه



خانواده تأکید خاصی شده است. در واقع احترام به دیگران موجب نزدیکی قلب ا به یکدیگر و تثبیت و تقویت روابط و صمیمیت بین افراد می گردد» (علینی، ۱۳۹۱: ص ۲۰۲).

در اندیشه آیت الله جوادی آملی خدای کریم به انسان هم کرامت داده است و هم فضیلت. «ذات اقدس الهی افزون بر تکریم انسان، وی را بر بسیاری از موجودات برتری داده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۶). احترام متقابل یکی از حقوق مشترک بین زن و مرد است، یعنی هم حق طرفینی ایجاد می شود و هم وظیفه طرفینی که اگر این حق و وظیفه رعایت نشود، مخل رابطه همسری خواهد شد و این اخلال ضررهای جبران ناپذیری نخست به خانواده و سپس به جامعه خواهد زد.

یکی از اصول مهم سعادت خانواده، احترام متقابل زن و مرد در محیط خانوادگی است. در آموزه های دینی سفارش شده که هر یک از مرد و زن باید به دیگری احترام بگذارد. خداوند در قرآن کریم توصیه می کند که با همسران خود رفتار شایسته انجام دهید: «عَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و با آنان به نیکویی رفتار کنید» (نساء، ۱۹). علامه جوادی آملی ذیل آیه شریفه بیان می کند که «همواره صلاهی معاشرت به نیکی طنین افکن بوده و فضل و وصل آنها در گرو احسان و لطف خواهد بود.» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۳۰۰) امام باقر (ع) درباره احترام به همسر به مردان چنین سفارش کرده است: «مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيُكْرِمْهَا» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۱۵۸). نیز امام صادق (ع) سعادت مندی زن را در اکرام و احترام وی به شوهرش دانسته است: «سَعِيدَةُ يَدُ امْرَأَةٍ كَرَمَ زَوْجِهَا» (بروجردی، ۱۳۹۱: ج ۲۲، ص ۵۴۲).

یکی از نیازهای اساسی انسان، نیاز به احترام و تکریم به ویژه در مورد کودکان و فرزندان است. خداوند در قرآن کریم می ماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰). در خانواده ای که همسران به یکدیگر احترام بگذارند، فرزندان نیز با الگو گیری از والدین به آنان احترام خواهند گذاشت و خانواده متعادل و مطلوب شکل خواهد گرفت.

در سیره معصومان (ع) نیز تکریم و احترام کودکان با شیوه هایی مانند قیام و استقبال در برابر فرزندان به هنگام ورود آنان به مجلس، سلام کردن به کودکان، با احترام صدا کردن و عیادت از کودکان مریض و مهم تر از همه شخصیت دادن به کودکان و فرزندان خود نشان داده شده است (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۴۳، ص ۲۸۵).

در مکتب اسلام بر این اصل تأکید شده است «که واکنش کودک و نوجوان نسبت به پدر و مادر خویش در بیشتر موارد بر اساس طرز رفتار والدین تعیین می‌گردد؛ بنابراین توصیه می‌شود که روابط خود را با فرزندان خویش، به نحوی طرح‌ریزی نمایند که حق احترام آن‌ها را برانگیزد و به‌طور طبیعی خود را ملزم بدانند که به پدر و مادر خویش احترام نمایند. در مورد روش عملی که پدر و مادر باید در پیش گیرند تا احترام فرزندان را برانگیزند، موارد ذیل توصیه شده است:

الف. توقعات والدین از کودک به اندازه امکانات او باشد؛

ب. آنچه برای کودک سنگین و طاقت فرسا است از او نخواهند؛

ج. او را خفیف و بی‌مقدار نگردانند؛

د. با کودک ناسازگاری ننمایند.

مراعات حفظ تعادل در برخورد با کودکان، به‌عنوان یکی از اصول تکاملی و رشد جسمی و روانی کودک تلقی شده است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۲: ص ۱۵۰).

۳. محبت و دوستی

محبت، این صفت فعل الهی از «حَبَّ يَحُبُّ» به معنای دوستی و دوست داشتن است (جمعی از نویسندگان ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۱۹۹). دوستی به معنای آشنایی توأم با مهر و محبت و عشق آمده است. «محبت گرایش مثبت قلبی است که بنیان خانواده و شالوده روابط انسان‌ها را در زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد و ارتباط بین مخلوق و خالق نیز گاهی سرشار از این گرایش قلبی است» (فرهادیان، ۱۳۷۸: ص ۱۰۷).

تنها عاملی که موجب تشکیل خانواده و بقا و تداوم زندگی خانوادگی است، محبت و در شکل رقیق‌تر و لطیف‌تر و والاتر، عشق است. «عشق و محبت به انسان، جهت و مسئولیت می‌دهد و به همه ارزش‌ها و نهادهایی که در جهت هدف خود می‌نگرد، احترام و قداست می‌بخشد و حتی تحمل مرگ را آسان و بلکه شیرین و لذت‌بخش می‌سازد» (بهشتی، ۱۳۷۷: ص ۳۳۷ و ۳۳۹).

آیت‌الله جوادی آملی یکی از مبانی مهم تعلیم و تربیت در اسلام را محبت می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۳۳۰). وی قائل است که «محبت شدت‌پذیرتر است و اگرچه کمیت ندارد، ولی دارای کیفیت است؛ محبت وزن ندارد، ولی شدت وجودی دارد و «وزین» است» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۳۲۵).



درباره خانواده مطلوب با مراجعه به آموزه‌های اسلامی درمی‌یابیم که در قرآن و روایات به محبت و دوستی میان زن و شوهر و میان فرزندان تأکید فراوانی شده است. بر این اساس است که خداوند پیدایش دوستی میان همسران را از آیات الهی برای اهل تفکر می‌داند: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱). علامه جوادی آملی با تمسک به این آیه شریفه بیان می‌کند که قرآن هدف زناشویی را کام‌جویی و لذت بردن از یکدیگر نمی‌داند، بلکه در این آیه شریفه، به دو اصل مودت (دوستی عاقلانه و منطقی) و رحمت رسیدگی به نیازهای طبیعی و عاطفی یکدیگر اشاره می‌فرماید. پس هر آنچه مودت و رحمت در خانواده را به هم می‌زند از آن باید دوری کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ص ۶۸-۶۹). به تعبیر دیگر قرآن کریم، «منشأ گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن را همانا، مودت و رحمتی می‌داند که خداوند بین آنها قرار داده است» (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ص ۵۱). نیز خداوند دوستی و علاقه به همسر و فرزند را مایه تمتع و بهره‌مندی از لذت‌های زندگی دانسته است: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ» (آل عمران، ۱۴). در چشم مردم عشق به امیال نفسانی و دوست داشتن زنان و فرزندان آرایش یافته است. در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی از مهم‌ترین موارد نیکی به همسر اظهار محبت به وی و آراستگی ظاهری مرد است که از عوامل تحکیم خانواده به شمار می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ص ۲۵۶). به همین جهت امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) فرمود: «به‌راستی زن ریحانه (شاخه گل) است و قهرمان نیست، پس در هر حال با وی مدارا کن و همراهی نیکو داشته باش تا زندگی‌ات با صفا گردد» (بابویه، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۵۵۶).

«در جامعه امروز کودکان نقش و اهمیت بسیاری دارند درحالی‌که در دوران گذشته چنین نبود» (اعزازی، ۱۳۸۰: ص ۱۳۲). «در عمق عشق به همسر، عشق به فرزند نهفته است و دو انسانی که برای تشکیل کانون گرم خانواده، یکدیگر را جذب می‌کنند موجود سومی می‌جویند که مظهر آمیزش جسم و روح آنهاست و آن‌چنان به آن‌ها یگانگی و هماهنگی می‌بخشد که به شادی‌اش هر دو شاد و به اندوهش هر دو اندوهگین‌اند و به طراوتش نشاط پیدا می‌کنند و به رنگ‌پریده‌اش هر دو افسرده می‌شوند. آن‌ها در ضمیر و باطنشان خواهان این هستند که برای فرزندان خود بهترین پدر و مادر باشند و در راه تربیت و ساختن انسانی نمونه و ایده‌آل هر چه بیشتر موفق شوند» (بهشتی، ۱۳۷۷: ص ۲۱۹).

ابراز محبت یکی از مهم‌ترین عوامل در تربیت صحیح فرزندان است. تربیت صحیح و موقع موجب رشد شخصیت و شکوفایی استعدادهای بالقوه فرزندان می‌شود. محبت به کانون خانواده گرمی می‌بخشد و امید می‌دهد. این گرمی و امید باعث تلاش و کوشش می‌شود. درباره ابراز محبت به فرزندان از طرف رسول گرامی ﷺ و ائمه اطهار و سایر بزرگان علم اخلاق و تعلیم و تربیت توصیه‌های فراوانی شده است. رسول اکرم ﷺ فرموده است: «نَظَرُ الْوَلَدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لَّهُمَا عِبَادَةٌ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ص ۴۶). در جای دیگر فرموده است: «قُبْلَةُ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ؛ هر بوسه‌ای که والدین نثار فرزندان می‌کنند درجه‌ای مثبت به دست می‌آورند» (قتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۳۶۹).

نیاز کودک به محبت و تأمین آن از سوی والدین اساس و پایه تربیت او را شکل می‌دهد. بر اساس سیره تربیتی معصومان (علیهم‌السلام)، محبت و مهر ورزیدن به کودکان یک اصل است و آنان محبت به کودکان را عبادت می‌دانند. «بر این اساس است که پیامبر ﷺ هر روز صبح بر سر فرزندان و نوه‌های خویش دست محبت می‌کشید» (مجلسی، ۱۳۸۵: ج ۹۹، ص ۱۰۴). «گفتمی است از آنجاکه نیاز به محبت یکی از نیازهای اساسی انسانی است، برآورده شدن آن دارای آثاری از جمله اعتدال روحی-روانی کودک، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین، آشنایی با روش مهرورزی و پیشگیری از انحرافات است» (علینی، ۱۳۹۳: ص ۹۶).

روان‌شناسان می‌گویند: «یکی از علل عمده اختلالات روانی در کودکان، گسسته شدن رابطه خانواده و یا اختلافات شدید خانوادگی است. در خانه‌ای که صمیمیت و محبت وجود دارد، کودک می‌تواند ثبات روحی خود را حفظ کرده و تغییرات مطلوب را در شخصیت خود فراهم آورد. از یک طرف می‌تواند با اطمینان به شخصیت خود با مشکلات روبه‌رو شود و از طرف دیگر بدون داشتن اضطراب و تشویش رفتارهای نامناسب خود را مورد تردید قرار داده به نحو مطلوبی تغییر دهد» (رشید پور، ۱۳۷۲: ص ۲۳).

«تأکید بر اظهار محبت به فرزندان و ملایمت در تربیت و پرهیز از برخوردهای اهانت‌آمیز با آنان از توصیه‌های دینی هستند که پیروی از آنها می‌تواند کاهش میزان کج‌روی فرزندان را در پی داشته باشد» (بستان، ۱۳۹۰: ص ۱۴۱).



نکته مهم و اساسی آن است که بدانیم «محبت اختصاص به دوره کودکی ندارد، بلکه آدمی از تولد تا مرگ نیازمند و تشنه محبت است» (جهانگرد، ۱۳۷۲: ص ۱۲۸ و ۱۲۹).

۴. مشورت و گفت و گو

مشورت «اسم مصدر مشاوره، به معنای استخراج و استنتاج رأی در امری، با مراجعه بعضی به بعضی دیگر است. شورا امری است که در آن مشاوره می شود» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۲۹۵). در مورد اهمیت مشورت همین بس که سوره‌ای از قرآن به همین نام آمده و علاوه بر آن خداوند پیامبر ﷺ را به مشورت با مؤمنان امر می کند: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹). همچنین خداوند هنگام بیان اوصاف مؤمنان راستین می فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸). در این آیه، مسئله شورا در ردیف ایمان به خدا و نماز قرار گرفته که بیانگر اهمیت فوق العاده آن است. «به واقع مشورت سبب افزودن عقل و علم و تجربه دیگران بر عقل و علم و تجربه خویش است که در این صورت انسان کمتر دچار خطا و اشتباه می شود» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ج ۱۰، ص ۱۱۴).

در روایات و احادیث معصومان بر مشورت و اهمیت آن تأکید شده است. از جمله رسول خدا ﷺ فرمود: «مشورت کننده‌ای نیست که به رشد (راه راست و مطلوب) هدایت نشود» (طبرسی، ۱۳۸۴: ج ۹، ص ۵۱) امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز فرمود: «هیچ تکیه‌گاهی همچون مشورت نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۵۴). نیز «مشورت سرچشمه هدایت است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱). همچنین «مشورت، اندیشه‌های صحیح دیگران را برایت به ارمغان می آورد و تو را هدایت می کند» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۴۱) یا: «لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ؛ هیچ پشتیبانی مطمئن تر از مشورت نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳).

بر اساس تأکیدات خاص خداوند در قرآن و روایات معصومان است که علامه جوادی آملی تصریح می کند که «شایسته است مسلمانان، کارهای مهم به ویژه امور اجتماعی را با مشورت انجام دهند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ص ۴۸۳). احترام گذاشتن به همسر و فرزندان ایجاب می کند که درباره موضوعاتی که به امور خانواده مربوط می شود، با آنان مشورت شود. نتیجه مشورت بهره‌گیری از افکار اعضای خانواده است.

شایسته است در خانواده مطلوب و متعادل، همه اعضای خانواده بتوانند نظر بدهند و مسائل و مشکلات خود را با مشورت و تبادل نظر حل کنند.

«یکی از اصولی که در مورد نوجوانان و به خصوص در مرحله وزارت باید رعایت شود، مشورت است. والدین در دوره وزارت باید مرتباً فرزندان خود را اعم از دختر یا پسر مورد مشورت قرار دهند. هنگامی که با نوجوانی در مورد مسئله‌ای مشورت می‌کنیم، نوجوان احساس می‌کند که دارای شخصیت باارزشی شده است و از طرف دیگر مورد اعتماد والدین قرار گرفته است. لذا احساس شادی و خرسندی می‌کند. مشورت با فرزندان موجب می‌شود که آنان نسبت به مسائل بیندیشند، احساس مسئولیت کنند و با واقعیات زندگی آشنا شوند و خود را برای حل مسائل روزمره خانواده آماده کنند» (جهانگرد، ۱۳۷۲: ص ۹۱).

علامه جوادی آملی در مورد مشورت با جوانان که شامل فرزندان در خانواده نیز می‌شود به کلام امام علی علیه السلام استناد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ص ۳۹۱) که حضرت فرمود: «هرگاه در امری که برای پیش آمده نیازمند مشورت بودی ابتدا با جوانان مشورت کن، زیرا آنان تیزهوش‌ترند و سریع‌تر حدس می‌زنند. سپس آن را به اندیشه پیران و بزرگان واگذار تا فرجام آن را شناسایی و انتخاب نیکو کنند، زیرا تجربه آنان بیشتر است» (ابن ابی الحدید معتزلی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۳۷). لازم به ذکر است که «مشورت موجب همراهی، همفکری و تعاون والدین و فرزندان می‌شود و باعث می‌شود که جوانان به تدریج راه و روش درست فکر کردن و تصمیم‌گیری را بیاموزند» (جهانگرد، ۱۳۷۲: ص ۹۲).

یکی از عواملی که به فرزندان به‌ویژه در دوره نوجوانی شخصیت می‌دهد، مشورت کردن با آنها در امور خانواده است. این کار سبب می‌شود که آنها احساس کنند که در خانواده به حساب می‌آیند و به نظر آنها توجه می‌شود. به این ترتیب آنچه را در دل دارند با والدین خود در میان می‌گذارند و این، در پیدایش صمیمیت و همدلی در خانواده مؤثر است. «لازم است والدین از پیشنهادهای صحیح نوجوانان استقبال کنند و در صورتی که در پیشنهادهای آنان خطایی می‌بینند با دلیل و منطق آنها را به اشتباه خود متوجه سازند. این عمل باید به‌گونه‌ای انجام شود که به شخصیت آن لطمه نزند و در آنان احساس ناتوانی را ایجاد نکند؛ و اگر در پیشنهادهای آنها ایراد اصولی وجود ندارد



می‌توان از ایرادهای جزئی چشم‌پوشی کرد و از همراهی و همفکری آن بهره‌مند شد. این امر حس همکاری آن‌ها را در خانواده رشد می‌دهد. نتیجه دیگر مشورت کردن با فرزندان این است که والدین به تدریج راه و روش فکر کردن و تصمیم گرفتن را به فرزندان خود می‌آموزند» (سادات، ۱۳۷۲: ص ۵۲).

برای ایجاد روابط گرم و عاطفی در خانواده مطلوب لازم است فضای گفت‌وگو بین اعضای خانواده برقرار گردد. شکل‌گیری گفت‌وگو نیاز به تمرین و ممارست دارد که این امر با گذاشتن جلسات هم‌اندیشی و مشورت و تبادل افکار و ایده‌ها بین والدین و فرزندان امکان‌پذیر است. در این جلسات، اعضای خانواده ضمن احترام گذاشتن و پاسداشت حرمت یکدیگر خواهند توانست مسائل شخصی خود را آزادانه مطرح کنند و در نهایت با مشورت جمعی بین همه اعضای خانواده به تصمیم‌گیری مناسبی برسند. گفتنی است در صورتی که مشورت و گفت‌وگو در خانواده نهادینه گردد و اعضای خانواده تمرین کنند تا مطالب یکدیگر را با آرامش و صبر و حوصله خوب بشنوند و به صورت منطقی و مستدل و بدون تعصب باهم تبادل نظر کنند، گفت‌وگو در عرصه‌های گسترده در جامعه شکل خواهد گرفت و بسیاری از کشمکش‌ها و جنجال‌های بیهوده در جامعه رنگ خواهد باخت و جامعه گفت‌وگو محور و مترقی شکل خواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

با توجه به ارتباط نزدیک و تنگاتنگ خانواده و جامعه، لازم است تا ابتدا روابط گرم و صمیمی بین اعضای خانواده شکل بگیرد. برای ایجاد روابط گرم و صمیمی در خانواده لازم است تا بین همسران و والدین و فرزندان آرا فرما باشد. حرمت یکدیگر را پاس داشته، به یکدیگر احترام بگذارند، محبت و دوستی بین آن‌ها حاکم باشد و از مشورت و گفت‌وگو بهره‌مند گردند. در این صورت است که بستر و زمینه جامعه سالم و متعادل شکل خواهد گرفت. علامه جوادی آملی نیز بر این باور است که با وجود مؤلفه‌های اساسی و مورد تأیید اسلام در خانواده، خانواده مطلوب شکل خواهد گرفت و به دنبال آن جامعه متعادل ایجاد خواهد شد.

منابع و مآخذ

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید. ۱۴۰۴ق. ترجمه شرح نهج البلاغه. مترجم: غلامرضا لایقی. ج ۲. قم: کتابخانه مرعشی آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ۱. حیون، نعمان بن محمد مغربی. ۱۳۸۵ ق. دعائم الاسلام. چاپ دوم. محقق: آصف فیضی. ج ۲. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. ۱۳۶۳ ق. تحف العقول. چاپ یازدهم. محقق / مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
۴. اعزازی، شهلا. ۱۳۸۰. جامعه شناسی خانواده. چاپ دوم. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۵. آمدی، عبدالواحد تمیمی. ۱۳۶۶. غرر الحکم و درر الکلم. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
۶. بابویه، علی بن محمد. ۱۳۸۷. من لا یحضره الفقیه. چاپ هفتم. مترجم: سید صدرالدین بلاغی. ج ۳. قم: دار الکتب الاسلامیه.
۷. بروجردی، سید حسین. ۱۳۹۱. جامع احادیث / شیعه. چاپ اول. مترجمان: احمد رضا حسینی، احمد اسماعیل تبار، محمد حسین مهوری. ج ۲۲. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۸. بستان، حسین. ۱۳۹۰. جامعه شناسی خانواده. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. بهشتی، احمد. ۱۳۷۷. خانواده در قرآن. چاپ دوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. جمعی از نویسندگان اداره کل تغذیه و بهداشت مدارس. ۱۳۷۲. بهداشت برای خانواده. چاپ دوم. تهران: انتشارات انجمن و اولیا.
۱۱. جمعی از نویسندگان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۸۷. برگزیده فرهنگ قرآن. ج ۱. چاپ دوم. قم: بوستان کتاب.
۱۲. جمعی از نویسندگان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۹۰. برگزیده فرهنگ قرآن. ج ۴. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۷. زن در آینه جلال و جمال. چاپ سوم. قم: اسراء.



۱۴. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۸. *مراحل اخلاق در قرآن*. چاپ دوم. قم: اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۵. *سرچشمه اندیشه*. ج ۲. چاپ دوم. قم: اسراء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. *تسنیم*. ج ۱۱. چاپ اول. قم: اسراء.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹ الف. *جامعه در قرآن*. چاپ دوم. قم: اسراء.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹ ب. *تفسیر انسان به انسان*. چاپ پنجم. قم: اسراء.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰. *تسنیم*. ج ۱۷. چاپ سوم. قم: اسراء.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳. *تسنیم*. ج ۱۸. چاپ چهارم. قم: اسراء.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳. *مفاتیح الحیاه*. چاپ یکصد و هفتاد و دو. قم: اسراء.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۷. *خانواده متعادل و حقوق آن*. چاپ سوم. قم: اسراء.
۲۳. جهانگرد، یدالله. ۱۳۷۲. *نحوه رفتار والدین با فرزندان*. چاپ اول. تهران: انجمن و اولیا.
۲۴. چلبی، مسعود. ۱۳۷۵. *جامعه‌شناسی نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
۲۵. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. *لغت‌نامه*. ج ۱ و ۱۴. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. راشد، حسینعلی. ۱۳۸۱. *آخرین سخنرانی‌های راشد*. چاپ دوم. تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۷. رشید پور، مجید. ۱۳۷۲. *آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی*. چاپ دوم. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۲۸. سادات، محمد علی. ۱۳۷۲. *رفتار والدین با فرزندان*. چاپ دوم. تهران: اولیا و مربیان.
۲۹. ساروخانی، باقر. ۱۳۸۱. *جامعه‌شناسی خانواده*. چاپ چهارم. تهران: سروش.
۳۰. شرف‌الدین، سید حسین. ۱۳۷۸. *تحلیلی اجتماعی از صله رحم*. چاپ دوم. قم: بوستان کتاب.
۳۱. شرفی، محمد رضا. ۱۳۷۲. *خانواده متعادل*. چاپ اول. تهران: انجمن و اولیا.
۳۲. طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۶۲. *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. مترجم: محمدباقر موسوی. ج ۲. قم: جامعه مدرسین. دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۸۰. *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ ششم. مترجم: محمدباقر موسوی. ج ۱۶. قم: جامعه مدرسین. دفتر انتشارات اسلامی.

۳۴. طبرسی، فضل بن الحسن. ۱۳۸۴. *مجمع البیان*. ج ۹. چاپ هشتم. تهران: ناصر خسرو.
۳۵. علینی، محمد. ۱۳۹۱. *سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.
۳۶. علینی، محمد. ۱۳۹۳. «بررسی کارکردهای خانواده در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی». فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی. سال اول. شماره چهارم.
۳۷. علینی، محمد. ۱۳۹۴. «تحلیل فضای مفهومی سازه سرمایه اجتماعی در کلام امام علی (ع)». فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی. سال دوم. شماره چهارم.
۳۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد. ۱۳۷۵. *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*. چاپ اول. قم: انتشارات رضی.
۳۹. فرهادیان، رضا. ۱۳۷۸. *مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث*. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۷۵. *اصول کافی*. ج ۵. چاپ اول. تهران: انتشارات اسوه.
۴۱. مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۶. *بحار الأنوار*. ج ۱۰۰. چاپ پنجم. تهران: کتابچی.
۴۲. مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۴. *بحار الأنوار*. ج ۴۳. چاپ چهارم. تهران: کتابچی.
۴۳. مجلسی، محمد باقر. ۱۳۸۴. *بحار الأنوار*. ج ۹۹. چاپ چهارم. ۹۹. تهران: کتابچی.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۷۴. *پیام قرآن*. ج ۱۰. چاپ اول. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).